

مقاله

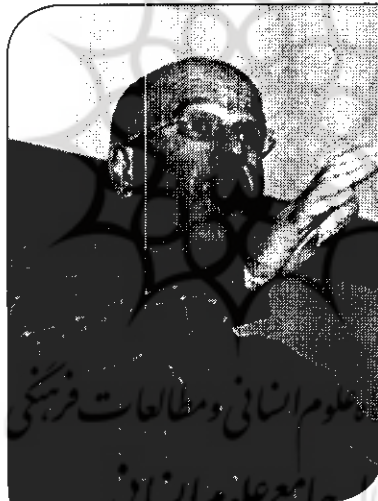
پایان هولوکاست

اسرائیل برآمده از جهان دوقطبی و جنگ سرد است. بارش آن بالنده شد و بخش مهمی از آنچه در آن جهان دوقطبی می گذشت با او پیوند داشت. همان گونه که بنیاد جنگ سرد در نیمه دوم قرن بیستم بر رویارویی قدرت ها بود، رابطه اسرائیل و اسراییلیان با جهان خارج نیز تقابلی بود. یک رویارویی با آلمانی ها و نازی های بود که شمار بسیاری از یهودیان، کولی ها و دیگران را در جنون احساس خود بر گزیدگی خویش در جریان جنگ جهانی به کام مرگ فرستاده بودند. حکومت اسرائیل نه تنها خود را وارث قربانیان یهود دانست و با کمک حامیان خویش آلمانی ها را وادار به پرداخت غرامت کرد، بلکه دیگر دولت ها و ملت های اروپایی را به خاطر سکوتشان در برابر جنایت های نازی به شرمندگی و تسلیم ابدی خواند. این دستمایه اصلی میراث هولوکاست بود که حکومت اسرائیل را در جایگاه یک مظلوم باج خواه در صحنه جهانی نشانید، در حالی که کسی برای میلیون ها قربانی دیگر نازیسیم و استالینیسیم اشکی نداشتند، غرامتی نپرداخت و به زودی به فراموشی سپرده شدند.

افزون بر میراث قربانی بودن در برابر نازیسیم، حکومت اسرائیل برای استوار کردن پایه های خویش نیاز به رویارویی پیوسته با یک دشمن خارجی و جنگ با او داشت. ایفا کننده اصلی این نقش فلسطینیانی بودند که حکومت اسرائیل به عنوان یک دولت اشغالگر و استعمارگر خارجی آنان را از سرزمین خویش رانده بود و آنها طبعاً برای بازیافتن سرزمین مادری خویش تلاش می کردند. با کنترلی که اسرائیل بر رسانه های جهانی داشت، فلسطینیان به عنوان انسان هایی تندجو و خشونت طلب معرفی و محکوم شدند. اکنون پس از شش دهه جنگ با دولت های عرب و فلسطینیان، حکومت اسرائیل، دست کم از نگاه فیزیکی، فاتح است و بر سرزمین های بیشتری از آغاز ورود به این منطقه حکومتی کند.

اما جهان پیوسته در حال تغییر است و این تغییر نه تنها از شرایط جهانی، بلکه از درون انسان ها مایه می گیرد.

پس از فروپاشی شوروی و ناکامی های بیش از نیم قرن یکه تازی های آمریکا که به بحران در اقتصاد جهانی انجامید، جهانی چندقطبی در جریان برآمدن است. در این جهان نو تجدید نظری اساسی در دیدگاه های تقابلی گذشته، چه در درون کشورها و چه در صحنه بین المللی



آوراهاام بوری

دستمایه اصلی میراث هولوکاست بود که حکومت اسرائیل را در جایگاه یک مظلوم باج خواه در صحنه جهانی نشانید، در حالی که کسی برای میلیون ها قربانی دیگر نازیسیم و استالینیسیم اشکی نداشتند، غرامتی نپرداخت و به زودی به فراموشی سپرده شدند

علی برزگر

در حال شکل گیری است، از این رو اسرائیل هم دیگر نمی تواند به عنوان یک حکومت پادگانی به زندگی خود ادامه دهد.

در نیم قرن گذشته جهان دستخوش تغییرات تکنولوژیک شگرفی شده است. گسترش ارتباطات، یک دهکده جهانی به وجود آورده است. با آشنایی های برآمده از ارتباطات نوین و جوه مشترک ملت ها رنگ قوی تری از تضادهای آنها یافته اند. گرم شدن زمین، آلودگی های محیط زیست، خطرات جنگ و تروریسم مسائلی همگانی شده اند که کره خاکی را به آسانی درمی نوردند. بحران جهانی اقتصادی هم که اکنون دیگر محدود به یک کشور نیست. کشورهای بزرگ هم دیگر نمی توانند جنگ های استعماری خود را در سرزمین های دور نگه دارند. اینها همه آدمیان را به یک سر نوشت مشترک گره زده اند.

در سطح فردی هم این تغییرات اثر گذار است. زشتی های جنگ لحظه به لحظه در سراسر گیتی بر صفحه تلویزیون جهانی نقش بسته و پیش از آن که رسانه های سازمان یافته بتوانند سناریویی را به بینندگان خود بقبولانند آنان به چشم خود واقعیات را دیده و به نتیجه گیری مستقل خویش رسیده اند. به خاطر تنوع رسانه های آدمیان دانسته های خویش را از منابع گوناگون دریافت می کنند، از این رو شکل دادن به آرای عمومی برای حکومت ها و شرکت های فراملیتی کار آسانی نیست. مردم برای خود می بینند و تصمیم می گیرند. به خاطر این دگراندیشی در جامعه امری نه یک استثنا بلکه قاعده شده است.

این یادداشت به بهانه کتابی است که در ماه نوامبر سال ۲۰۰۸ در ساره هولوکاست، یا کشتار جمعی یهودیان در دوران جنگ دوم جهانی به دست نازی ها، به قلم یک اسراییلی نوشته شده است. آوراهاام بوری یکی از دگراندیشان اسراییلی است که در چند سال گذشته مورد توجه جهانی قرار گرفته. درباره بزرگ شایان توجه آن است که او از مقام ریاست آژانس یهود ورهبری پارلمان اسرائیل به یکی از مخالفان صهیونیسیم تبدیل

اسد ایران ۸۷ فروردین ۱۳۸۸

شده است.

پدر آوراهاام برگ، دکتر یوسف برگ سیاستمدار اسرائیلی متولد آلمان است که سال‌هایی را در یکی از اردوگاه‌های آلمان هیتلری سپری کرده. او پس از پایان جنگ دوم جهانی به فلسطین آمد، ازدواج کرد و در آنجا اقامت گزید. یوسف برگ از آغاز تشکیل دولت اسرائیل یکی از شخصیت‌های برجسته سیاسی اسرائیل بود و افزون بر رهبری حزب ملی-دینی (Party National Religious) تا دهه ۱۹۸۰ سمت‌های گوناگونی را در کابینه اسرائیل بر عهده داشت.

آوراهاام برگ در سال ۱۹۵۵ در اورشلیم به دنیا آمد. او در جامعه ناسیونالیستی اسرائیل، با همه تبلیغات و جنگ‌های پی‌درپی آن با همسایگانش، به مدرسه رفت و از دانشگاه عبری اورشلیم در علوم اجتماعی فارغ‌التحصیل شد. آوراهاام مدتی در سمت ستوان در گروهان هوایی خدمت کرد، اما در زمان حمله اسرائیل به لبنان به مخالفان جنگ پیوست. او از فعالان جنبش چپ و صلح هم‌اکنون (Peace Now) اسرائیل بود که در سال ۱۹۸۸ به نمایندگی در پارلمان انتخاب شد. در سال ۱۹۹۲ او دوباره به نمایندگی در مجلس انتخاب شد و پس از آن از سوی دولت به ریاست آژانس یهود و سازمان جهانی صهیونیستی منصوب شد. وی در دوران ریاستش بر آژانس یهود تلاش زیادی برای بازپس‌گیری اموال یهودیانی که آن‌را در جریان جنگ دوم جهانی از دست داده بودند به انجام رسانید.

آوراهاام برگ در سال ۱۹۹۹ با انتخابات پارلمان به صحنه سیاست بازگشت، به ریاست پارلمان برگزیده شد. او این سمت را تا سال ۲۰۰۳ حفظ کرد. در اکتبر سال ۲۰۰۳ برگ مقاله‌ای با عنوان "پایان صهیونیسم" در روزنامه گاردین نوشت که در آن اسرائیل را به خروج بی‌درنگ از همه سرزمین‌های اشغالی دعوت کرد. با این مقاله، توفانی در اسرائیل برپا شد و مخالفت زیادی را با او برانگیخت. او در همین سال در مقاله‌ای در نشریه یديعوت آحارونوت نوشت: "اسرائیل که هیچ‌گونه اهمیتی به سلامت فرزندان فلسطینی نمی‌دهد نباید از این که آنهاروزی دست‌به‌حمله‌های انتحاری در مراکز جمعیتی اسرائیل بزنند شگفت‌زده شود." برگ در گفت‌وگوی دیگری که از او در ژوئن ۲۰۰۷ در نشریه هآرتص منتشر شد گفت که "هویت دولت اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی کلید نابودی آن است؛ یک حکومت یهودی ماده انفجاری است. دینامیت است."

او به خاطر مخالفت‌های بنیادینی که با سیاست‌های دولت اسرائیل داشت به مخالفان حکومت پیوست. در جریان مخالفت با حکومت اسرائیل، افزون بر مخالفت با صهیونیسم و حکومت دینی، اندیشه‌هایی را ارائه کرد که در محافل اسرائیلی تاگی داشت. از جمله این اندیشه‌ها آن بود که برای نجات خویش به‌عنوان یک کشور، اسرائیل باید خود را از زیر سایه هولو کاست بیرون بکشد. این موضوع کتاب تازه اوست.

او در این کتاب نشان می‌دهد که مردم اسرائیل با شیفتگی به اندیشه هولو کاست که یک عزا و عذاب پیوسته ملی را به همراه داشته به گونه‌ای خود را شکنجه داده‌اند که نه تنها دیگر به همسایگان و جهان پیرامون خود بی‌اعتماد هستند، بلکه اعتماد به نفس خویش را نیز از دست داده‌اند. حاصل این عزا و عذاب ملی پیوسته، بر آمدن یک ناسیونالیسم صهیونیستی است که مانند ویاگریانگیر اسرائیل، همسایگان او و مردم جهان شده است.

اندیشه هولو کاست، موتور به وجود آورنده بسیج گسترده‌ای از مردم و منابع مادی و ستاز و برگ نظامی است که اسرائیل را به صورت یک حکومت پادگانی تهاجمی در آورده است. به باور آوراهاام برگ جامعه اسرائیلی به جای این که سازماندهی و پیشرفت خویش را روی ویژگی‌های مثبت بسازد، یک هویت منفی بر پایه مظلومیت را بنا نهاده که توجیه‌کننده تجاوز او به فلسطینیان است. این هویت، شخصیت اصلی اسرائیل شده که هر سال میلیون‌ها دلار خرج تبلیغ آن در سراسر جهان می‌کند. همین شیفتگی پیوسته با هولو کاست



در حالی که ارتش اسرائیل بر سر مردم بی‌پناه و بی‌دفاع غزه آتش بمب‌های فسفری می‌بارد و برخی از مردم اسرائیل از لب مرز نمایش جهنمی را که برای فلسطینیان ساخته‌اند با دوربین‌های خود تماشای کنند، آوراهاام برگ نگاه صریح و دردناک، اما مهمی به روح سرگشته یهودیان در جهان امروز می‌افکند.

است که از پیشرفت او جلوگیری می‌کند. برگ باور دارد که جامعه یهودی نباید با شیون و عزاب بر سر گذشته و بالنده کردن کینه‌ها فرصت‌های آینده خویش را از دست بدهد.

حرف اصلی برگ آن است که رهبران اسرائیل از خاطره هولو کاست به گونه‌ای استفاده می‌کنند که روان جامعه در جنبه سرگشتگی گرفتار می‌شود و در نهاد شهروندان ناآرامی و ترس پی‌دیدی می‌آورد که امکان هر گونه سازش با فلسطینیان را از میان می‌برد، از این روست که برگ نه تنها با حکومت اسرائیل، بلکه با حامیان جهانی آن نیز درگیر می‌شود. او می‌گوید: "هنگامی که جورج بوش جنگی را اعلام می‌کند که ممکن است سر نوشت مراچه خوب و چه بدرقم بزند من باید آشکارا در برابر توپخانه‌های یک لابی اسرائیلی که به‌نام وفاداری دو جانبه (به اسرائیل و آمریکا) از سیاست‌های او جانبداری می‌کنند از خود دفاع کنم."

بنیانگذاران صهیونیسم در آغاز قرن بیستم، اسرائیل را به عنوان نسخه‌ای برای سرزمین موعود و پایان دادن به سرگشتگی یهودیان عرضه کردند، اما واقعیت‌های وجود جوامع مختلف یهودی و فلسطینی در اسرائیل و تنش‌هایی که در درون این حکومت دین‌بنیاد پدید آمده، درگیری‌هایی را در مرزهای اسرائیل با منطقه و جهان خارج به وجود آورده است. نمایش خشونت‌های بارز این تنش‌ها و احساس ناامنی پیوسته مردم اسرائیل که رهبران سیاسی از آن سوءاستفاده کردند جنگ اخیر در غزه بود. این جنگ بی‌رحمانه که مردم جهان در پای تلویزیون‌هایشان آن را تماشا کردند گویای این واقعیت است که ادامه وجود اسرائیل - که خود زائیده جنگ سرد بود - بی‌ارز و آمدن واقعیت‌های نوین در صحنه جهانی مورد تهدید جدی قرار دارد.

در حالی که ارتش اسرائیل بر سر مردم بی‌پناه و بی‌دفاع غزه آتش بمب‌های فسفری می‌بارد و برخی از مردم اسرائیل از لب مرز نمایش جهنمی را که برای فلسطینیان ساخته‌اند با دوربین‌های خود تماشای کنند، آوراهاام برگ نگاه صریح و دردناک، اما مهمی به روح سرگشته یهودیان در جهان امروز می‌افکند.

بیان اندیشه‌های برگ در جامعه اسرائیلی که روزانه آتش جنگ در آن دمیده می‌شود کار آسانی نیست. او می‌گوید با وجود این که ما یهودیان قربانی هیتلر بوده‌ایم، اندیشه هیتلری تاکنون بر روان ما چیرگی داشته است. کنار گذاشتن اندیشه سنگین هولو کاست "تنهاراهی است که می‌توانیم به وسیله آن هیتلر را شکست دهیم." روزنامه فرانسوی فیکارو درباره کتاب برگ نوشت: "این اندیشه‌های مردنچ کشیده‌ای است که در اعتلای ارزش‌های انسانی جهانی در دین یهود کوشش می‌کند."

هولو کاست پایان‌ناپذیر و مایه‌بخش هزاران قربانی یهودی در اردوگاه برگ (۲۰۰۸)

Avraham Burg. The Holocaust is over: We must rise from its ashes (McMillan, Palgrave: 2008).

که توسط نشر صدقه منتشر می‌شود